

زمانی که اعداد صادرات و واردات رسانه‌ای می‌شود برخی‌ها این‌گونه برداشت می‌کنند که هر میزان عدد واردات کمتر از صادرات باشد، سیاستگذاران اقتصادی موفق‌تر عمل کردند، اما چنین دیدگاهی و اصرار و پافشاری بر آن باعث می‌شود که روز به روز تجارت ایران ضعیف‌تر شود. تمام کشورها تمایل دارند در برابر وارداتی که دارند، صادرات هم داشته باشند لذا زمانی یک کشور در تجارت موفق خواهد شد که مواد اولیه از کشورهای مختلف وارد کند اما در نهایت صادرکننده کالاهای نهایی بود. یحیی آل اسحاق هم چنین دیدگاهی دارد و تأکید می‌کند که تجارت پایدار را زمانی خواهیم داشت که هم صادرکننده و هم واردکننده کالا از یک کشور باشیم و هیچ کشوری تاب آن را ندارد که صرفاً واردکننده باشد. عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران بر این امر تأکید دارد که باید از فرصت‌های موجود تجاری بهترین برداشت را کرد و گذشته را که هدر رفت جبران کنیم. در دولت گذشته اجازه آب خوردن را از غرب می‌خواستیم بگیریم و فراموش کردیم به جز غرب کشورهای دیگری هم هستند که می‌توانند مواد اولیه تولید را در اختیار کشورمان قرار دهند. ادامه مصاحبه ما با یحیی آل اسحاق در ادامه می‌آید.

روابط تجاری و اقتصادی ایران را با کشورهای مختلف در دولت سیزدهم چگونه می‌بینید؟

به طور کلی روابط کشورها با دنیا یکی از عوامل اقتدار و توانایی آن کشور است. هر کشوری با آن نسبتی که در روابط همسایگان خود در منطقه و سایر کشورها در هر یک از حوزه‌های اقتصادی فعال باشد این علامت قدرت، توان و استفاده از فرصت‌های جهانی است. بهره‌برداری از این فرصت‌ها باعث رشد، توسعه و رفاه مردم آن کشور می‌شود. لذا اگر کشوری می‌خواهد در این برهه ادامه حیات دهد باید حداکثر تلاش خود را بکند که بهترین تعامل را با کشورهای همسایه و سایر کشورها براساس آرمان‌ها و منافع ملی خود داشته باشد.

لذا موضوع دیپلماسی اقتصادی یکی از ارکان مهم دولت‌ها و یکی از ارکان عمده توانایی حکومت‌ها است. این موضوع نه تنها برای مباحث اقتصادی است بلکه تبعات آن برای

حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، روابط بین‌الملل و فرهنگی نیز هست. دیپلماسی اقتصادی برآیند تمام حوزه‌های یاد شده است. یکی از نقاطی که نظام باید بیش از گذشته به آن توجه کند، دیپلماسی اقتصادی است. در حقیقت دیپلماسی اقتصادی یک هنر است؛ هنر چگونگی استفاده از ابزارهای سیاسی در جهت اهداف اقتصادی و بالعکس. در این میان بخشی از هنر و موفقیت وزارت امور خارجه و مجموعه‌های اقتصادی حاکم بر هر کشوری این است که با چه سازگاری در موضوع دیپلماسی اقتصادی ورود و چگونه مدیریت و مذاکره کنند. اما در رابطه با جمهوری اسلامی ایران این امر چند وجه دارد، یک وجه داخلی است، ایران کشوری چند هزار ساله است و با موقعیت جغرافیایی خاص و با اهداف خاص اداره می‌شود. وجه دوم ایران جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی است. در آنجا هم ایران کشور معمولی نیست، کشوری است که ادعاهای جهانی دارد و ادعا دارد که نظام‌های جهانی را باید به گونه‌ای دیگر مدیریت کرد و روابط حاکم بر جهان، روابط مناسبی نیست. مدعی است که می‌شود مردم جهان را بر اساس هماهنگی بین‌المللی اداره کرد به گونه‌ای که استکبار و ظلم پایان پیدا می‌کند؛ این صحبت‌ها برگرفته از انقلاب اسلامی و مردم مسلمان جهان است. منطقه خارومیانه با توجه به توانایی‌های بالقوه، موقعیت ژئوپلیتیک، تحت مدیریت هر جریان فکری بوده، موفق عمل کرده و در دنیا تأثیرگذار بوده است. در تحلیل‌های جنگی و نظامی هم گفته می‌شود منطقه خارومیانه در تمام جنگ‌های دریایی و خشکی موفق بوده است. اکنون هم با آنکه در جنگ اقتصادی به سر می‌بریم منطقه خارومیانه چه به لحاظ منابع (نفت و انرژی)، بازار مصرف و ژئوپلیتیک، صدمه جدی ندیده و همچنان اقتصاد ایران جان دارد.

با کشورهای همسایه اهداف تجاری بلندمدت دیده شده است اما چرا اجرائی نشده است؟

به آن نسبتی که بتوانیم استراتژی بلندمدت تجاری با کشورها تعریف کنیم و همچنین عملیاتی شود می‌توان در تمام حوزه‌های حکمرانی و بین‌المللی نقش اساسی و اصولی داشته باشیم چرا که بازتاب آن در حوزه‌های داخلی ایران هم هست. اگر بتوان رابطه اقتصادی و تجاری مستمر با ۱۵ کشور همسایه

هر کشوری که
ما قصد داریم
به آن صادرات
کنیم، چه
ترکیه باشد چه
پاکستان و چه
سایر کشورها،
می‌خواهند
تعامل تجاری و
دوسویه داشته
باشند نه اینکه
واردکننده
صرف باشند،
حتی عراق هم
با آنکه صادراتی
ندارد به دنبال
همکاری
مشترک و
صادرات است